

ادامه از صفحه ۲

سیاوش در قتلگاه

سپاه ایران می‌خواست بجنگد، سیاوش آنان را از نبرد بازداشت و چون سپاه توران بر آنان تاخت، همه کشته شدند و تنها سیاوش به بند کشیده شد، بر گردش پالهنگ افکندند و شاه فرمان داد او را ببرند و سرش را با خنجر از تن جدا کنند و خونش را در جایی بریزند که دیگر گیاهی نرود.

سپاه توران به افراسیاب گفت از او چه گناهی دیده‌ای که فرمان مرگ می‌دهی؛ سری را که شایسته تاج است، به خنجر نبرند. گرسیوز چون سکوت شاه را بدید و بیم کرد که نرم شود، به فریاد هفت هرچه زودتر فرمان شاه را اجرا کنيد. یلیسم، برادر پیران‌ویسه از افراسیاب خواست اندکی شکیبایی کند تا پیران از سفر بازگردد که سیاوش در بند اوست و باز گرسیوز بر کشته‌شدن سیاوش پای فشرد، یلیسم، افراسیاب را اندرز داد که او فرزند کاووس است و رستم پرورنده اوست، شتاب‌زدگی پشیمانی به بار آورد. گرسیوز به میانه شتافت و گفت: «همین بد که کردی و او را پذیرفتی بس نبود که می‌خواهی او را زنده نگه داری؟ سیاوش اگر بخروشد، از روم و چین به یاری او آیند و خاک توران را بر چشم تو تیره‌وتار کنند».

افراسیاب گفت: «من از او گناهی ندیده‌ام ولی ستاره‌شمران گفته‌اند که او فرجامی تلخ به باور آورد و رهاکردنش در این حالت بدتر از کشتن اوست». گرسیوز از اسارت سیاوش آگاه شد، با چهره‌ای دزم و چشمانی اشک‌بار دوان به نزد پدر رفت و گفت: «ای شه‌ریار بزرگ، چرا دخت خویش را خاکسار می‌گردانی؟ سیاوش به پشتوانه تو به توران آمده، کاری نکن که به رستمی گرفتار شوی که جهان از نام او می‌لرزد. درختی بر زمین نشان که کین به بار آورد». دل افراسیاب بر او بسوخت و گفت به کاخ خود بازگردد و چون بسیار بنالید، فرمان داد تا فرنگیس را در خانه‌ای بیندازند و در بر او ببندند و سپس فرمان داد تا سیاوش را به قتلگاه برند.

سیاوش را از شهر بیرون بردند و گرسیوز خنجر آنگون به دست گروی‌زره داد تا آن سروین را بر زمین زند و او بی‌شرمانه سر سیاوش را در تشتی زرین نهاد و از آن سرو سیمین جدا کرد. در این هنگام تندبادی برخاست و خاک تیره را به خورشید فشاند و سپاه توران به گروی‌زره بسیار نفرین کرد.

ز گرسیوز آن خنجر آنگون / گروی‌زره بستد از بهر خون / بیفکند پیل ژیان را به خاک/ نه شرم آمدش زان سپهبد نه باک / یکی تشت بنهاد زرین برش/ جدا کرد از آن سرو سیمین سرش.

زینب اسماعیلی، روح‌اله نخعی: «باربارا اسلاوین»، مدیر پروژه ایران در شورای آتلانتیک در آمریکا است و همین موجب شده ایران را خوب بشناسد.
مدرس دانشگاه جورج‌واشنگتن، علاوه بر اینکه چندین نوبت به ایران سفر کرده، در عمده دوره‌های مذاکرات هسته‌ای کنار خبرنگاران و دیگر اعضای اندیشکده‌ها به رصد اخبار و نوشتن تحلیل‌ها می‌پرداخت. او جزء مخالفان خروج آمریکا از برجام و فشار حداکثری آمریکا به ایران نیز بود.
اسلاوین که درحال حاضر با واشنگتن پست و المانیور همکاری دارد، سال ۲۰۰۷، کتابی تحت عنوان «ایران، آمریکا، دوستان تلخ و دشمنان صمیمی؛ راه ماریج به سوی درگیری» منتشر کرد.
با باربارا اسلاوین درباره ترور سردار قاسم سلیمانی و تبعات این ترور گفت‌وگو کردیم.

۴ یک سال از ترور سردار سلیمانی گذشته است. در سؤال اول دوست دارم تحلیل شما را از این اتفاق بدانم. نگاه شما درباره این اقدام دونالد ترامپ چیست؟

من فکر می‌کنم این اقدامی انتقام‌جویانه بود؛ برای فعالیت‌های پیشین سلیمانی و نیز تحریکات ایران در خلیج فارس بعد از خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای. این اقدام بازتابی بود از دغدغه ترامپ مبنی بر «ضعیف‌دیده‌شدن» و کلافگی‌اش از ناکامی کارزار «فشار حداکثری» در اجبار ایران به مذاکره دوباره بر سر برجام.

۴ دونالد ترامپ در چهار سال ریاست‌جمهوری‌اش تمام تلاش خود را برای واردکردن فشار به ایران کرد و علاوه بر خروج از برجام و به شکست کشاندن این توافق چندجانبه، دست به این ترور زد. شما حتما می‌دانید که علاوه بر برانگیختن واکنش نظام جمهوری اسلامی، مردم ایران نیز از این ترور ناراحت شدند. فکر می‌کنید اگر رئیس‌جمهور دیگری حتی از طیف جمهوری‌خواه در آمریکا بر سر کار بود، دست به این ترور می‌زد؟ یا این را تصمیم بخش نظامی آمریکا می‌پندارید؟

فکر نمی‌کنم یک رهبر دیگر در ایالات متحده چنین کاری می‌کرد. آن زمان هم گزارش شد که مقامات نظامی از اینکه ترامپ این گزینه را انتخاب کرده بود، غافلگیر شده بودند. اولین بار بود که ایالات متحده مقامی تا این حد بالا را در کشوری که رسماً با آن درگیر جنگ نبودیم، ترور می‌کرد.

۴ بر کسی پوشیده نیست که فعالیت‌های منطقه‌ای ایران زیر نظر سردار سلیمانی بود. او در حالی ترور شد که مهم‌ترین اتفاق تروریستی منطقه در قرن ۲۱ یعنی ظهور داعش و تصرف عراق و سوریه با مدیریت او فروکش کرده بود؛ اما آمریکا که در همه سال‌های داعش‌خود را از مبارزه کنار کشیده بود و حتی اطلاعاتی مبنی بر حمایت آمریکا، عربستان و ترکیه از این گروه وجود دارد، دست به این ترور زد. این گزاره‌ها کنار هم برای شما معنی خاصی دارند؟

ایالات متحده از داعش حمایت نکرد؛ اما رشد این گروه حاصل ناکامی‌های آمریکایی، عراقی و ایرانی در منطقه بود، به‌ویژه برخورد با سنی‌ها در عراق و سوریه.

ایران با حماس، جهاد اسلامی فلسطین و مهم‌تر از همه حزب‌الله رابطه

دیپلماسی

گفت‌وگو با «باربارا اسلاوین»، عضو شورای آتلانتیک، درباره تبعات ترور سردار سلیمانی و احیای برجام

مردی که جایگزین کردنش بسیار دشوار است

من تا ۲۰ ژانویه که ترامپ برود، خواب راحت نخواهم داشت/ بازگشت ایران و آمریکا به برجام به عراق فرصت تنفس می‌دهد



دارد. وزارت خارجه ایالات متحده همه اینها را سازمان‌های تروریستی حساب می‌کند؛ اما دربارۀ داعش، نیروهای قدس به طور غیرمستقیم با ایالات متحده همکاری کردند تا این گروه را از موصل و از دیگر نقاط عراق بعد از ۲۰۱۴ بیرون برانند. نیروهای قدس از طریق «اتلاف شمال» در سال ۲۰۰۱ به ایالات متحده کمک اطلاعاتی هم کردند تا رژیم طالبان را در افغانستان سرنگون کنند. سلیمانی بسیار باهوش و انعطاف‌پذیر بود. دولت جورج دبلیو بوش او را به دشمن تبدیل کرد، با قهراردادن ایران در «محور شرارت» و حمله به عراق و هم‌زمان تلاش برای فشار بر ایران.

۴ به نظر شما ترور سردار برای کاستن از نقش منطقه‌ای ایران انجام شد؟ آمریکا البته در استراتژی خود نمی‌تواند از منطقه خاورمیانه دست بردارد. فکر می‌کنید آمریکا می‌خواست با کاستن از نفوذ ایران چه قدرتی را جایگزین کند؟ روسیه؟ ترکیه؟

شک دارم که درباره این کار خیلی فکر شده باشد؛ اما سلیمانی به‌عنوان شد؟ آمریکا البته در استراتژی خود نمی‌تواند از منطقه خاورمیانه دست بردارد. فکر می‌کنید آمریکا می‌خواست با کاستن از نفوذ ایران چه قدرتی را جایگزین کند؟ روسیه؟ ترکیه؟

شک دارم که درباره این کار خیلی فکر شده باشد؛ اما سلیمانی به‌عنوان معمار راهبرد منطقه‌ای ایران دیده می‌شد و مردی که جایگزین‌کردنش بسیار دشوار است.

۴ سیدحسن نصرالله چند روز پیش در مصاحبه با المیادین روایت کرده که چگونه سردار سلیمانی توانسته آقای پوتین را راضی به حضور در صحنه جنگ سوریه کند. بسیاری معتقدند همراهی روسیه و ایران توانست سوریه را از وضعیتیک که در آن قرار گرفته بود، نجات دهد. به نظر شما ازین‌بردن نقش منطقه‌ای قوی ایران و روسیه، از جمله اهداف این ترور بود؟ ترور ایشان این نقش منطقه‌ای را کم‌رنگ کرد؟

باز تأکید می‌کنم که ترامپ راهبردی فکر نمی‌کرد. او خشمگین بود از

اینکه به نظر می‌رسید ایالات متحده ضعیف است؛ به خاطر اینکه بلافاصله با مین‌های خلیج فارس و حمله به تأسیسات نفتی سعودی در ۲۰۱۹ مقاله به مثل نکرده است؛ نگران این هم بود که شبه‌نظامیان عراقی سفارت ایالات متحده در بغداد را تسخیر کنند و او به‌عنوان یک جیمی کارتر دیگر دیده شود.

۴ ایران در واکنش به این اقدام به پایگاه عین‌الاسد حمله کرد. شما انتظاری بیش از این برای انتقام داشتید؟ فکر می‌کنید هنوز ممکن است ایران واکنشی به این ترور نشان دهد؟

من فکر می‌کنم ایران همین حالا هم به مقابله به مثل خود رسیده است؛ از این نظر که ایالات متحده حضور نیروهای خود در عراق را به شکل

درخورتوجهی کاهش داده است.

۴ کمتر از یک ماه به روی‌کارآمدن آقای بایدن مانده است؛ اما برخی هنوز معتقدند ممکن است دونالد ترامپ قبل از رفتن، در انبار باروت خاورمیانه اقدامی پرخطر کند. شما این نگرانی را چقدر جدی می‌دانید؟ من تا ۲۰ ژانویه خواب راحت نخواهم داشت. با ترامپ، هر چیزی ممکن است. بی‌بی [بنیامین] نتانیاهو هم ممکن است بخواهد پیش از اینکه بایدن وارد شود، خسارت بیشتری وارد کند.

۴ شما از جمله تحلیل‌گرانی هستید که در زمان مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به برجام جز، همراهان این اقدام بودید. این توافق توانست ایران را به صورت مقبولی به عرصه بازیگری بین‌المللی برگرداند که البته با اقدام دونالد ترامپ از دست رفت. شما فکر می‌کنید بازگشت به برجام برای آقای بایدن و تیم او اولویت دارد؟

این را می‌دانم که بازگشت به برجام برای بایدن یک اولویت است، تا جایی که ایران هم موافقت کند برگردد و درباره سایر دغدغه‌ها هم حرف بزند. این فرصت مهمی برای هر دو کشور است و نباید از دست برود.

۴ موضع ایران در این زمینه، بازگشت در مقابل بازگشت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تا اینجا، حرف‌هایی که زده شده، امیدوارکننده بوده و خوشحالم که به نظر می‌رسد مصوبه‌ای که خواستار افزایش شدید در برنامه هسته‌ای ایران شده بود، بایگانی شده است. بگذارید دست‌کم صد روز به بایدن فرصت بدهیم.

۴ اما ترور سردار سلیمانی از سوی آمریکا کار را برای طیف معتدل و اصلاح‌طلب در ایران برای ورود به مذاکره با آمریکا و ادامه کار سخت کرد. ارزیابی شما از وضعیت پیش‌رو چیست؟

متأسفانه من چندین سال است فرصتی برای سفر به ایران نداشته‌ام؛ برای همین برایم سخت است که از وضعیت سیاسی داخلی تخمین و ارزیابی داشته باشم؛ اما برداشت من این است که ایرانی‌ها از همه گروه‌های سیاسی ناراحت هستند.

۴ به‌تازگی گزارش‌هایی بوده از اینکه تیمی به دستور مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیرعراق، به تهران فرستاده شده‌است. در سفری نسبتاً غیررسمی و برای بحث درباره مسائل امنیتی با مقامات ایران که البته جزئیات زیادی از آن منتشر نشده‌است. با توجه به اینکه در آستانه سالگرد ترور سردار سلیمانی هستیم، یک تغییر دولت در آمریکا در راه است و عراق، ایران و همچنین اسرائیل همه انتخاباتی پیش‌رو دارند. فکر می‌کنید هفته‌ها یا شاید ماه‌های پیش‌رو، چه تأثیری روی سیاست‌های داخلی و بین‌المللی عراق از لحاظ ایران و تنش‌های منطقه خواهد داشت؟ عراق عاجزانه به کاهش تنش‌ها بین ایالات متحده و ایران نیاز دارد. بیش از یک دهه است که درگیری ایران و آمریکا به عراق آسیب زده است. امید من این است که بازگشت به برجام از سوی ایالات متحده و پایبندی متقابل ایران به برجام فرصت نفس‌کشیدنی به عراق خواهد داد که برای بازیابی خود به لحاظ اقتصادی و سیاسی لازم دارد.

وزیر نیرو در پی سفر به بغداد اعلام کرد

هزینه واکسن کرونا از منابع ایران در عراق پرداخت می‌شود

صادرات گاز به عراق از سر گرفته می‌شود

فعال سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی دو کشور در تهران در هفته‌های پیش‌رو عنوان کرد. اردکانیان گفت که ریاست کمیسیون از طرف جمهوری اسلامی ایران بر عهده وزارت نیرو و از طرف جمهوری عراق بر عهده وزارت تجارت این کشور نهاده شده است.

وزیر نیروی کشورمان با اشاره به دستاورد گفت‌وگوهایش با مقامات عراقی در زمینه برق گفت که درباره پروژه‌های بازسازی صنعت برق عراق توافقات خوبی انجام شد و دو پروژه مهم در زمینه کاهش تلفات انرژی در شبکه توزیع برق» و همچنین «بازسازی تجهیزات آسیب‌دیده برق» عراق دنبال می‌شد.

وزیر نیروی جمهوری اسلامی ایران درباره صادرات برق و گاز به عراق و حساب‌های فی‌مابین گفت: «با وجود محدودیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، خوشبختانه وزارت برق عراق و مقامات این کشور موفق شدند بخش درخورتوجهی از مطالبات شرکت «توانیر» و بخشی از مطالبات «شرکت ملی گاز» را پرداخت کنند». اردکانیان با اشاره به ترتیبات جدید مالی ایجادشده بعد از پایان رایزنی‌هایش با مقامات عراقی افزود که با این ترتیبات جدید امیدواریم با سرعت بیشتری از منابع مالی موجود خود در عراق برای خرید کالاهای اساسی و دیگر اقلامی که نیاز است، در آینده نزدیک استفاده کنیم. او اضافه کرد که توافق خوبی در این زمینه صورت گرفته و این توافق الان در حال ادامه‌شدن برای امضا است تا بتوان سرعت بیشتری به برداشت از منابع مالی موجود برای خرید کالاها و خدمات لازم داد.

وزیر نیروی جمهوری اسلامی ایران دیروز در دومین سفر خود به بغداد در سال ۲۰۲۰ میلادی در رأس یک هیئت عالی‌رتبه وارد بغداد شد و مورد استقبال ماجد حتوش، هم‌تای عراقی‌اش در وزارت برق قرار گرفت. اردکانیان به‌عنوان وزیر نیرو و رئیس ایرانی کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و عراق وارد بغداد شد. ایرج مسجدی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در بغداد، در طول دیدارها و رایزنی‌ها با مقامات عراقی، وزیر نیرو و هیئت ایرانی را همراهی می‌کرد.

ادامه از صفحه اول

ترکیه اردوغان و آرزوهای بزرگ

اینان می‌توانستند اندرز دهند که برای ترکیه بهتر است با بهره‌مندی از روابط اروپایی و آمریکایی به توسعه اقتصادی و صنعتی و اجتماعی خود ادامه دهد و به آن توسعه بعضاً سطحی عمق ببخشد، تا به توسعه علمی و فرهنگی دست یابد و به‌راستی در شمار قدرت‌های بزرگ جهانی جای گیرد، تا بتواند با متانت و جلب احترام بین‌المللی نقش مهم‌تر، جدی‌تر و بیش‌تری در عرصه بین‌المللی بر عهده بگیرد؛ اما گوئی وسوسه‌ه ابزار و توسعه قدرت فریبنده‌تر است. یا شاید از این بیم دارد که در برابر قدرت‌نمایی‌های دیگران کم بیاورد. هرچه هست اکنون اردوغان قانونمداری اتاتورکی ترکیه را با همه فرازونشیب‌هایش برهم زده است. احساس استقلال در اتخاذ سیاست‌های نظامی پرهزینه ترکیه موجب رنجش‌هایی در میان همسایگان آسیایی و اروپایی‌اش شده و به اعتبار ترکیه و توسعه اقتصادی آینده و استحکامی پولی‌اش لطمه زده است. پرسش این است که آیا بنیۀ اقتصادی‌کم‌عمق نمی‌توان رویارویی با برداشتن چندین هندوانه نامتأسب با یک دست را دارد؟ آیا شتاب برای ابرقدرت‌شدن بر زمینش نخواهد زد. هشدار در برابر این‌گونه شتاب‌ها و خودفریبی‌ها به همه کشورهای خاورمیانه‌ای که با پول نفت احساس قدرت می‌کنند نیز صادق است. به امید آنکه با احترام به قوانین بین‌المللی و پرهیز از تدروی‌ها و رجزخوانی‌ها در شرایط حاد کنونی عرصه بر همه ملل منطقه تنگ نشود و گرفتار مصیبت‌های بدتر نشوند. قدرت‌های بزرگ مانند روسیه و اروپا و آمریکا با اتکا به منابع و امکانات خود می‌توانند بحران‌ها را از سر بگیرانند اما بسیاری از کشورها در آتش این رفتارهای اردوغان‌ها خواهند سوخت.

قاسم سلیمانی یک گفتمان است

قاسم سلیمانی جامعه را خانواده خود می‌دانست و از همه گروه‌ها چه اصلاح‌طلب و چه اصولگرا چه چپ و چه راست می‌خواست تقسیم‌بندی‌های رایج و غلط از مردم را کنار بگذارند و چه بی‌حجاب و چه باحجاب را بسان فرزندان خود تلقی کنند. همین اندیشه پدرا نه مسئولانه و رفتاری او الگوهای فکری او بود که باعث شد شهادت این انقلابی اصیل و بایرنسیب از سوی همه طیف‌ها، اقشار، گروه‌ها، اقوام، مذاهب، طبقات و جنسیت‌های ایران و حتی جهان اسلام با واکنش‌های جدی و مه‌دلانه روبه‌رو شود و آن حماسه وحدت، اقتدار و اتحاد در زیر تابوت وی به رخ جهان کشیده شد و چنان سرمایه اجتماعی‌ای را برای ایران به میراث گذاشت که قاتلان او و دشمنان ایران از حیرت انگشت به دهان گزیدند. ویژگی‌های شخصیتی، معرفتی و کارکردی «حاج قاسم ما» کم‌نظیر بود و این تفاوت و فاصله معنادار است که ایران سردارش را چنان می‌ستاید که هنوز که هنوز است، کودک و نوجوان، جوان و کهن سال‌ زن و مرد، سکولار و دیندار او را دوست دارند و حسرت فقدانش در میانه بحران‌ها و آوردگاه مشکلات و گرفتاری‌ها گلوی دوستدارانش را می‌فشارد. قاسم سلیمانی شمالی یک اسطوره را دارد که هزارد مقابله با تروریسم است و برخلاف تصویری که دشمنانش ترسیم کرده‌اند و از او چهره‌ای رادیکال و انعطاف‌ناپذیر تصویر می‌کنند، سیاست‌شناسی واقع‌بین و توانا بود که نماد هیچ جریان سیاسی‌ای نبود و شاهکار گفتماش که به‌نوعی انعکاس نگاه درست و درک درست‌تر از جایگاه و شان خود بود، امروز بر سنگ مرارش و بر قلب‌های ما حک شده است. «سرباز وطن» شاهکار و معنایی راهبردی بود که راز محبوبیت سردار ملی ایران را بیان می‌کند و او را فراتر از یک شخص به گفتمان و مکتب بدل می‌کند. او دیپلماسی و نظامی‌گری را دو بال قدرتمند برای ایران می‌دانست. جنگ را نه برای جنگ که برای صلح می‌خواست. بی‌علت نبود که حتی دشمنانی که از سایه‌اش وحشت داشتند، شهادت ترور و به‌شهادت‌رساندن او را نداشتند تا اینکه نوبت به احمق‌ترین و بی‌بردترین دولت آمریکا رسید و این حماقت را مرتکب شد تا جایی که شهادتش توسط تروریستی‌ترین دولت قرن حتی موجب هراس و نگرانی در بین خود مردم آمریکا شد که حضور رقیب و دشمنی عاقل، بادربایت، باکیاست و موقعیت‌شناسی چون او را برای حفظ امنیت خود کلیدی می‌دانستند. الگوی گفتاری و رفتاری او هرچند صلابت و صراحت یک فرمانده نظامی را داشت اما راه دیپلماسی را مسدود نمی‌کرد. به صلح دلبانه باور نداشت اما به تعامل و صلح‌طلبی مقتدرانه و عزیمت‌انه احترام می‌گذاشت و نظامی‌گری را بازوی دیپلماسی می‌دانست. شهادت شایسته‌ترین عاقبت برای آن ژنرال بادربایت و مهربان بود که عمری در فضای جهاد زیسته بود و جز شهادت اجری برای رشادت‌ها و دلاوری‌های آن مرد بزرگ، فرمانده سیاست‌شناس، نظامی عارف و عارف مردم‌گرا نمی‌توان تصور کرد. بدیهی است آزمون بزرگ ملت ایران بعد از «حاج قاسم ما» که مصداق درخشان آیه شریفه رحماء و بیهم و اشداء، علی‌الکفار بود، دشوارتر شده است. او فراتر از یک فرد، یک گفتمان جامع است. متفکری استراتژیک بود که امروز فراتر از میدان‌های نظامی بر قلب‌ها حکومت می‌کند و عمق استراتژیک ایران را فراتر و بالاتر از مرزهای جغرافیایی بر قلب دوستداران انسانیت، صلح و اقتدار حاکم کرده است و حکومت «مهر سلیمانی» این پهلوان کم‌نظیر که برخاسته از سنت فتوت ایران و برآمده از مکتب شیخ بود، در بدرقه «بیکر معطرش» و در زیر «تابوت معطرش» نمایان شد و موجودیت پیدا کرد. شهادت نه پایان که آغاز حاج قاسم ماست. از تکفیری‌های متوحش تا دشمنان متوهم ایران همه می‌دانند قاسم سلیمانی در کالبد و پیکره ذهن‌ها و قلب‌های ما همیشه تاریخ زنده است.